

حادثه مرگبار در کارخانه کاغذسازی بهشهر

اخبار

گروه حوادث: دو کارگر مجتمع کاغذسازی تبریز در استان مازندران هنگام نظافت مخزن کاغذ دچار گازگرفتگی شده و جان باختند. یک منبع کارگری درباره جزئیات این حادثه گازگرفتگی به ایلنا گفت: حادثه در کارخانه کاغذسازی تبریز در منطقه امیر آباد بهشهر رخ داد که در نتیجه آن دو کارگر بر اثر سقوط در مخزن کاغذ جان خود را از دست دادند.

او با تشریح جزئیات این خبر گفت: شامگاه چهارشنبه گذشته دونفر از کارگران کارخانه کاغذسازی تبریز که در منطقه بندر امیرآباد شهرستان بهشهر استان مازندران فعالیت دارند، حین نظافت مخزن کاغذ بر اثر گازگرفتگی جان باختند.

او گفت: بر اساس گفته‌های شاهدان عینی، این حادثه هنگامی رخ داده است که دو نفر از کارگران به اسامی «سعید جوادی و علیرضا مسافر» برای نظافت به داخل مخزن کاغذ رفته بودند، اما به دلیل استنشام گاز سمی ناشی از کاغذهای لجن شده دچار گازگرفتگی و بیهوش شدند. همکار سوم آنها که خارج از مخزن مشغول کار بود، با مشاهده این اتفاق گروه‌های امدادی خارج از کارخانه را مطلع کرد، اما دو کارگر در نهایت جان خود را از دست دادند.

به گفته وی، از قرار معلوم کارخانه کاغذسازی تبریز از ابتدای سال جاری تعطیل بوده و تعدادی کارگر هر چند روز یک بار برای سرکشی و نظافت دستگاه‌ها وارد کارخانه می‌شدند. یکی از کارگرانی که فوت کرده است هفت سال و دیگری یک سال سابقه کار در این واحد تولیدی داشتند و هر دو ساکن شهر بهشهر بودند.

حکم قصاص قاتل شیشه ای صادر شد



گروه حوادث: مرد معتادی که سال گذشته در شهرستان گرگان در اقدامی جنون‌آمیز یک نفر را به قتل رسانده و ۱۱ رهگذر را با چاقو مجروح کرده بود به قصاص محکوم شد. به گزارش روابط عمومی دادگستری گلستان، حیدر آسیابی رئیس کل دادگستری این شهرستان گفت: رسیدگی به پرونده این حادثه به‌صورت ویژه در دادسرای گرگان آغاز شد و پس از تکمیل تحقیقات و اعلام نظر پزشکی قانونی مبنی بر سلامت روانی متهم، کیفرخواست صادر و پرونده در دادگاه کیفری یک استان رسیدگی شد. به درخواست اولیای دم دادگاه حکم قصاص این فرد را صادر کرد که با اعتراض متهم پرونده برای بررسی نهایی به دیوان عالی کشور فرستاده شد.

رئیس کل دادگستری گلستان گفت: علاوه بر آن، کیفرخواست پرونده ۹ نفر از مصدومان این پرونده برای تعیین دیه به دادگاه کیفری ۲ فرستاده شد. پرونده یکی از مصدومان این حادثه هم به علت تمام نشدن طول درمان در مرحله دادرسی است.

براساس این گزارش، عصر ۱۲ مرداد سال گذشته مردی میانسال در چهارراه میدان شهرستان گرگان در حالی که یک تیغ جراحی را بین کاغذ پیچیده بود، شروع به مجروح کردن رهگذران کرد و وقتی می‌خواستند مانع او شوند از یک مغازه سمساری در محل چاقو و تبر برداشته و به هر کسی از کنارش رد می‌شد، ضربه می‌زد. متهم که به مخدر شیشه اعتیاد داشته و بر اثر توهم ناشی از مصرف شیشه دست به این کار زده بود همان موقع از سوی مأموران نیروی انتظامی دستگیر شد، اما در این حادثه پسر ۱۷ ساله به قتل رسید و ۱۱ نفر دیگر مجروح شدند.

کشف جسد بدون کفش در بلوار اندرزگو

گروه حوادث: کشف جسد مردی جوان داخل کیسه نایلونی در حالی که کفشی به پا نداشت، این احتمال را برای کارآگاهان جنایی مطرح کرد که جنایت در محلی دیگر رخ داده باشد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۹:۴۱ صبح جمعه ۱۹ فروردین زن جوانی در حال عبور از خیابان اندرزگو بود که داخل شمشاد‌های وسط بلوار متوجه جسد مردی شده که با کیسه‌های پلاستیکی بسته‌بندی شده بود. با مشاهده جسد، زن جوان موضوع را به مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش خبر داد و بدین ترتیب بازریس محمد وهابی و تیم بررسی صحنه جرم لحظاتی بعد از کشف جسد راهی محل شدند.

با حضور در محل، آنها با جسد مردی حدوداً ۴۰ ساله مواجه شدند که آثار ضربات متعدد چاقو روی بدنش بود و یک روسری دور گردنش پیچیده بودند که احتمال خفگی را مطرح کرد. قربانی این جنایت لباس بیرون به تن داشت اما کفشی به پا نداشت. بررسی‌ها نشان می‌داد که قتل در محل دیگری رخ داده و عامل یا عاملان جنایت، پس از آنکه جنازه را داخل دو کیسه پلاستیکی قرار داده‌اند آن را به این محل آورده و رها کرده‌اند.

به دستور بازریس شعبه دوم دادسرای امور جنایی پایتخت جسد مرد ناشناس برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین دستور بازرینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل حادثه، بررسی پرونده افراد قتلانی با این احتمال که ناپدید شدن مرد ناشناس از سوی خانواده‌اش گزارش شده باشد و همچنین شناسایی هویت مقتول و عامل یا عاملان جنایت صادر شد.

۲ میلیارد تومان کلاهبرداری به بهانه وام کم بهره

گروه حوادث: مرد شیاد که با ترغیب دریافت وام کم‌بهره از طریق مؤسسات خیریه به ۱۵۰ نفر بیش از ۲ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بود، دستگیر شد. سرهنگ «حشمت سلیمانی» رئیس پلیس فتای استان فارس در تشریح این خبر گفت: در پی شکایت تعدادی از شهروندان مبنی بر کلاهبرداری با ترغیب دریافت وام از طریق مؤسسات خیریه، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت.

شاکي‌ها در اظهارات خود بیان داشتند که متهم در ابتدا خود را به عنوان فردی نیکوکار معرفی کرده و برای اعتمادسازی مبلغ اندکی پول را به عنوان عیدی به حساب آنها واریز کرده و پس از جلب اعتماد، بعد از گذشت چند روز دوباره با آنان تماس می‌گرفت و اعلام می‌کرد که مقدمات دریافت یک وام کم بهره را فراهم کرده است. کارشناسان در بررسی‌های تخصصی مطلع شدند این فرد با ترغیب خاصی با شاکي‌ها تماس و اعلام می‌کرده برای دریافت وام کم بهره می‌بایست مبالغی را به عنوان کارهای اداری به حسابش واریز کنند که پس از واریز وجه دیگر جوایزی تماس‌های آنها نبوده است. سرهنگ «سلیمانی» گفت: کارشناسان پلیس فتا با اقدامات فنی و تحقیقات پلیسی موفق شدند متهم را در یکی از محله‌های شیراز شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی وی را در مخفیگاهش دستگیر کنند. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه متهم بیش از ۱۵۰ نفر شاکي دارد، تصریح کرد: متهم در بازجویی اولیه تاکنون به ۲۰ میلیارد ریال کلاهبرداری از شهروندان اقرار کرده است.

وی تصریح کرد: شهروندان در صورت مواجه شدن با هرگونه موارد مجرمانه در فضای مجازی می‌توانند از طریق سایت پلیس فتا به نشانی www.Cyberpolice.ir (بخش گزارش‌های مردمی) و با شماره ۰۹۶۳۸۰ با کارشناسان در تماس باشند.

درخواست دیه از پدر برای قتل برادر

کاسران عمدی خیرنگار

مرد میانسال که پسر جوانش را به خاطر رفتارهای وسواس گونه به قتل رسانده بود، از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲۲ مرداد سال ۹۹ با گزارش کشف قطعه‌ای از بدن یک مرد در سطل زباله یکی از خیابان‌های جنوبی پایتخت آغاز شد. پس از آن مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند و تحقیقات را برای شناسایی هویت مقتول آغاز کردند. ساعاتی بعد به مأموران خبر رسید که قطعه دیگری از جسد در سطل دیگری در یکی دیگر از مناطق تهران کشف شده است. این گزارش‌ها تا کشف همه اعضای بدن مقتول ادامه پیدا کرد.

پس از آن مأموران موفق شدند با استفاده از اثر انگشت مقتول هویت او را شناسایی کنند. در ادامه مشخص شد که او رضا ۲۴ ساله نامه داشته و در یکی از محله‌های نازی آباد زندگی می‌کرده است. مأموران بلافاصله به خانه مقتول

رفتند. نخستین بررسی‌ها نشان داد که او چند سال پیش مادرش را از دست داده و با پدرش زندگی می‌کرده است. پیدا شدن قطره‌های خون در خانه موجب شد تا مأموران به پدر رضا مظنون شوند و به این ترتیب وی مورد بازجویی قرار گرفت، او که در ابتدا منکر هرگونه اطلاع از وضعیت پسرش بود اما در ادامه با تناقض گویی سعی داشت مسیر تحقیقات را منحرف کند، که در نهایت وقتی در مقابل مستندات پلیسی قرار گرفت، لب به اعتراف را می‌جوید و کارهایش آزارم می‌داد. گاهی ساعت‌ها دستمال را برمی‌داشت و روی میز می‌کشید و بارها سرفه‌هایش با هم دعوا می‌کردیم. وی درباره روز جنایت هم گفت: آن روز ساعت ۱۱ از خواب بیدار شد و به حمام رفت ۳ ساعت در حمام بود، وقتی در حمام را باز کردم، دیدم کناری ایستاده و آب را بی استفاده با گذاشته به این کارش اعتراض کردم که بایی توجهی در رابست. وقتی از حمام بیرون آمد نزدیک به نیم ساعت یک لیوان آب را زیر شیر فرغشویی گرفت تا مثلاً آب زلال شود. هرچه اعتراض

می‌کردم توجهی نمی‌کرد. تا اینکه روی میل نشست و شروع به جویدن ناخن‌هایش کرد. آنها را می‌کند و به زمین می‌انداخت. آنقدر عصبانی شدم که با دستم محکم روی دستش زدم و خواستم تا به رفتارش پایان دهم، اما شروع به فحاشی کرد، به آب را زیر شیر فرغشویی گرفت تا مثلاً آب زلال شود. هرچه اعتراض

می‌کردم توجهی نمی‌کرد. تا اینکه روی میل نشست و شروع به جویدن ناخن‌هایش کرد. آنها را می‌کند و به زمین می‌انداخت. آنقدر عصبانی شدم که با دستم محکم روی دستش زدم و خواستم تا به رفتارش پایان دهم، اما شروع به فحاشی کرد، به آب را زیر شیر فرغشویی گرفت تا مثلاً آب زلال شود. هرچه اعتراض

گروگانگیری برای تصاحب خانه ۴۰ میلیاردی مرد تاجر

گروه حوادث: گروگانگیری که قصد تصاحب خانه ۴۰ میلیاردی یک تاجر ثروتمند را داشتند، وقتی برای برداشتن مدارک راهی خانه او شدند، از سوی پلیس به دام افتادند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، پنجشنبه هفته گذشته مأموران گشت یکی از کلانتری‌های تهران هنگام عبور از خیابانی در شمال شهر متوجه خودروی پژویی شدند که مقابل خانه‌ای ویلایی توقف کرده بود و راننده با چهره‌ای نگران و مضطرب انگار منتظر کسی بود.

مأموران خودروی پژو را زیر نظر گرفته و هنوز چند لحظه نگذاشته بود که سه مرد جوان هراسان از خانه ویلایی بیرون آمده و بدون آنکه درب خانه را ببندند، سوار پژو شدند. مأموران با دیدن سه مرد جوان و پوشای که به نظر داخل آن مدارک و اسناد بود، با این احتمال که مردان جوان سارقان خانه ویلایی هستند، به آنها دستور ایست دادند. اما پژوسواران اقدام به فرار کرده و بدین ترتیب تعقیب و گریز آغاز شد. بعد از چند دقیقه تعقیب و گریز، در نهایت مأموران موفق شدند راه را بر پژوسواران مسدود کرده و آنها را دستگیر کنند.

آدم‌ربایی سه ساعت

سرتنشینان پژو ابتدا منکر سرقت بودند اما در بازرسی او خودرو و کشف مدارک و اسنادی که متعلق به همان خانه ویلایی بود، متهمان به ناچار لب به اعتراف گشودند. یکی از آنها گفت: صاحب خانه، مردی تاجر و مقیم یکی از کشورهای خارجی و از آشنایان دور است. او مدتی قبل به ایران آمد و تصمیم داشت که خانه ۴۰ میلیاردی‌اش را بفروشد و به همین دلیل مشخصات خانه‌اش را آگهی کرده بود. زمانی که از این ماجرا باخبر شدیم، تصمیم گرفتیم خانه‌اش را تصاحب کنیم.



او ادامه داد: چند روز قبل به عنوان خریدار، راهی خانه مرد تاجر شده و بعد از بازدید خانه، با او تماس گرفته و مدعی شدم که قصد خرید خانه او را دارم. به این بهانه عصر پنجشنبه با وی در خیابان قرار گذاشته و از او خواستم مدارک و اسناد خانه را با خود بیاورد تا آنها را بررسی کنیم. وی هم بی‌خبر از نقشه‌ای که ما در سر داشتیم، به محل قرار آمد، او را سوار خودرو کرده و سه ساعت گروگان گرفته و با تهدید از او خواستیم که وکالتنامه و چندین برگ سفته را بریمان امضا کند. **سرقت مدارک** مرد جوان ادامه داد: مرد تاجر که بسیار ترسیده بود و چاره‌ای نداشت، برگه‌ها را امضا کرد. بعد از گرفتن امضا سراغ سند و مدارک رفتم تا آنها را بررسی کنیم که متوجه شدیم او اصل سند را نیاورده و کپی مدارک را به همراه دارد. از آنجا که با کپی مدارک نمی‌شد سند را به نام خود منتقل کنیم، در نتیجه تصمیم گرفتیم همراه گروگان راهی خانه وی شده و اصل مدارک را از او بگیریم. وقتی به خانه ویلایی او رسیدیم، یکی از همدستانم به عنوان زاغرن داخل خودرو ماند تا در صورت مشاهده مورد مشکوک، به ما خبر دهد. در حال برداشتن مدارک و اسناد از خانه بودیم که همدستم از داخل ماشین پیام

داد خودروی پلیس در حال گشتزنی در آن حوالی است. ما هم بلافاصله مدارک را برداشته و گروگان را دست و پا بسته داخل خانه رها کرده و سوار ماشین شده و قصد فرار داشتیم که دستگیر شدیم. به دنبال اعترافات ۴ مرد جوان، مأموران بلافاصله راهی خانه مرد ثروتمند شده و او را که دست و پا بسته داخل خانه ویلایی‌اش بود، آزاد کردند. با آزادی گروگان، متهمان در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار گرفتند. تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

صدور گواهینامه رانندگی ترفندی برای کلاهبرداری

گروه حوادث: مرد کلاهبردار که با وعده صدور گواهینامه رانندگی برای متقاضیان یک میلیارد تومان به جیب زده بود دستگیر شد. سرهنگ «جعفر غضنفری» فرمانده انتظامی «بردسیر» در این باره گفت: در پی طرح شکایاتی از سوی شهروندان مبنی بر کلاهبرداری از آنها توسط فردی که خود را یک مسئول مرتبط با آموزشگاه‌های رانندگی معرفی و با وعده صدور گواهینامه مبالغی را از آنان دریافت کرده بود، بررسی موضوع به‌طور ویژه در دستور کار قرار گرفت.

با شروع تحقیقات پلیسی متهم شناسایی و دستگیر و در بازجویی‌ها مدعی شد که با سوءاستفاده از ارتباط کاری قبلی با آموزشگاه رانندگی و با ادعای ارتباط با پلیس و دیگر ادارات به مردم وعده صدور گواهینامه بدون حضور متقاضی را می‌داد. فرمانده انتظامی «بردسیر» تصریح کرد: در روند بازجویی‌ها مشخص شد این متهم به همین شیوه و با فریب شهروندان از ۴۰ نفر مبالغ هنگفتی را دریافت و تاکنون حدود ۱۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده است. سرهنگ «غضنفری» با اشاره به اینکه متأسفانه برخی افراد بدون در نظر گرفتن روال قانونی امور به افراد سودجو و وعده‌های فریبنده اینجینینی اعتماد و نادانسته اقدام به واریز وجه به حساب کلاهبرداران می‌کنند از دیگر کسانی که به همین نحو از آنان کلاهبرداری شده خواست با تنظیم شکوائیه، موضوع را پیگیری کنند.

شلیک به همسر بالین زنانه

گروه حوادث: مرد میانسال که با همسرش اختلاف داشت با پوشیدن لباس زنانه سر راه او قرار گرفت و با شلیک گلوله قصد کشتن او را داشت که دستگیر شد.

سرهنگ امیر وهاب زاده، فرمانده انتظامی صومعه‌سرا در تشریح این خبر گفت: در پی تماس مردمی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک مورد درگیری لفظی و متعاقب آن تیراندازی با سلاح گرم، بلافاصله مأموران انتظامی برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند و با اقدام بموقع پلیس عامل تیراندازی حین فرار از محل جرم دستگیر شد. در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد، متهم ۴۶ ساله به علت اختلافات شخصی و مالی با همسر خود با پوشش کاملاً زنانه به سمت خودروی وی تیراندازی کرده است. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه از متهم یک قبضه سلاح کلت جنگی کشف شد، افزود: متهم سابقه‌دار است و با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد. سرهنگ وهاب زاده در پایان با تأکید بر مقابله قاطعانه پلیس با مخلان نظم و امنیت عمومی از مردم خواست در صورت مشاهده این‌گونه موارد، بلافاصله موضوع را از طریق سامانه ۱۱۰ به پلیس گزارش کنند.



نگاه کارشناس

علی دلداری
قاضی دادگاه کیفری
یک استان تهران

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد یک اجتماع باید بستر لازم را برای پویایی و رشد اعضایش فراهم کند. آتشی که بر دامن خانواده می‌افتد علاوه بر اعضای خود به جامعه هم سرایت می‌کند. پیرمردی را با لباس زندانی آوردند داخل شعبه که سالیان سال زحمت کشیده و پسر خود را به سن ۲۴ سالگی رسانده بود. به خاطر ناتوانی در کنترل خشم بابت رفتارهای وسواسی فرزندش به ستوه آمده و در مقابله بدترین راه را انتخاب کرده و او را کشته است. موشکافی جزئیات چنین جنایاتی بسیار طاقت‌فرساست. نه معتاد بود و نه روانی تنها نقطه ضعفش عصبی بودن و کنترل نکردن خشم بود. طبق قانون اگرچه پدر در صورت قتل عمدی فرزندش با مجازات قصاص مواجه نمی‌شود، ولی چون اقدام مرتکب بشدت محل نظم عمومی است و تأثیرات سونی بر بیکره اجتماع دارد مجازات سنگین حبس را باید متحمل شود. تجربه‌ام می‌گوید ناتوانی در کنترل خشم، گرفتن تصمیم‌های عجولانه، جنون‌های آنی و... همگی زمینه‌ساز وقوع چنین حوادثی هستند. از سر راه برداشتن عزیزان هرگز چاره راه نیست. فرآواند مراکز که مشاوره‌های روانی ارائه می‌دهند و مهارت‌های لازم را برای ادامه زندگی شیرین آموزش می‌دهند. در اختلافات بسیار حاد، دخالت بزرگان و حل و فصل مشکلات توسط ریش سفیدان صاحب تجربه چاره‌ساز است. یک مهارت را باید یاد بگیریم و آن اینکه در زمان عصیانبت لحظاتی مکث کنیم و زود تصمیم نگیریم. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «خشم کلید همه پلیدی‌هاست»

الان من واقعاً پشیمانم و نمی‌دانم که چگونه در چشم ۵ فرزند دیگرم نگاه کنم. بعد از متهم وکیل او به دفاع از موکلش پرداخت و خواستار تخفیف مجازات شد. در پایان جلسه قضات برای صدور حکم وارد شور شدند. به خودم آمدم دیدم او را کشته‌ام. متهم افزود: پس از آن نمی‌دانستم باید چکار کنم، تصمیم گرفتم برای اینکه کسی به من شک نکند بدنش را مثله کنم و از خانه بیرون ببرم و در سطل بیندازم. به فرزندانم هم گفتم که رضا با دوستانش به مسافرت رفته است.

جنایت پایان سرقت خودرو

گروه حوادث: مرد جنایتکار که با عنوان مسافر و به قصد سرقت خودرو راننده میانسانی را به قتل رسانده بود با ردیابی‌های پلیس کرمان دستگیر شد. سرهنگ «بدالله حسن پور» رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کرمان در تشریح این خبر گفت: اسفند سال گذشته خبر ناپدید شدن مرد ۶۵ ساله‌ای که با خودروی شخصی اقدام به مسافرکشی می‌کرد، به پلیس اعلام شد و پیگیری موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران این پلیس قرار گرفت.

درحالی که تحقیقات برای یافتن سرنخی از سرنوشت مرد گمشده ادامه داشت پلیس در تماس‌های مردمی از کشف جسدی در حاشیه شهر ماهان با خبر شد و پس از حضور مأموران در محل بررسی‌های اولیه دریافتند جسد متعلق به همان راننده گمشده است. با دستور بازریس پرونده جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و گزارش کارشناسان پزشکی قانونی نشان می‌داد این فرد در اثر اصابت ضربات متعدد شیئی سخت بر سینه و قلبش به قتل رسیده است.

با توجه به اینکه خودروی مقتول و تلفن همراهش نیز سرقت شده بود کارآگاهان جنایی با انجام تحقیقات گسترده میدانی و جمع‌آوری سرنخه‌هایی از محل کشف جسد، سرانجام ردیابی جوانی ۲۳ ساله را در این جنایت شناسایی و در عملیاتی ضربتی او را دستگیر کردند.

با انتقال متهم به پلیس آگاهی و در بازجویی‌های تکمیلی، وی ضمن اعتراف به قتل گفت: با ترغیب کرایه درمستی خودرو از کرمان به مقصد ماهان و با انگیزه سرقت خودرو با مقتول درگیر شدم و پس از مقاومت راننده، با ضربات چاقووی او را به قتل رسانده و در حاشیه شهر ماهان رها کردم. در حال حاضر تحقیقات در این پرونده برای شناسایی دیگر جرایم احتمالی متهم ادامه دارد.

سقوط مرگبار پسر ۴ ساله در غیبت والدین

گروه حوادث: سهل‌انگاری والدین و تنها گذاشتن پسر ۴ ساله در خانه منجر به مرگ وی شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، عصر پنجشنبه گذشته خبر سقوط مرگبار پسر ۴ ساله‌ای از طبقه چهارم یک ساختمان در منطقه افسریه تهران به بازریس محمد وهابی اعلام شد. در تحقیقات اولیه مشخص شد پدر و مادر کودک برای خرید از خانه خارج شده و کودک به تنهایی در خانه بوده است. اما از سر بازیگوشی خود را به پنجره رسانده بود که ناگهان تعادلش را از دست داده و به پایین سقوط کرده است. جسد به دستور بازریس شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران به پزشکی قانونی منتقل شد.